

287180 - معنای اول بودن در این سخن پروردگار متعال که: «اولین کس که مسلمان شد» و «اولین مومنان»

سوال

آیا در این قرآن بین این دو آیه تناقض وجود دارد؟ آنجا که پروردگار متعال می فرماید:

﴿قُلْ أَعْيَبَ اللَّهُ أَنْتَحُدْ وَوَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُهُ وَلَا يُطْعَمُ قُلُوبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾
﴿وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

انعام: ۱۴

(بگو آیا غیر الله پدیده آورنده آسمانها و زمین ولی ای برگیرم و اوست که خوراک می دهد و خوراک داده نمی شود؟ بگو من مامورم که نخستین کسی باشم که اسلام آورده است و [به من امر شده که] هرگز از مشرکان نباشم)

و آنجا که می فرماید:

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ نَرَاكَ فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

اعراف: ۱۴۳

(و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت عرض کرد پروردگارا خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم. فرمود: مرا نخواهی دید اما به کوه بنگر پس اگر بر جای خود قرار گرفت مرا خواهی دید. پس چون پروردگارش بر کوه جلوه نمود آن را ریز ریز ساخت و موسی بیهوش بر زمین افتاد و چون به خود آمد گفت: تو منزهی، به درگاهت توبه کردم و من نخستین مومنانم).

پاسخ مفصل

اولا:

در قرآن تناقضی وجود ندارد اما امکان دارد تناقضی در ذهن خواننده تصور شود هرچند با جستجو و پرسش از آگاهان این اشکال ان شاء الله برطرف خواهد شد.

الله تعالی می فرماید:

﴿ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَوْجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴾.

نساء: ۸۲

(آیا در قرآن نمی اندیشند؟ اگر از جانب غیر الله بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند).

ثانیا:

منظور از اول بودن در این دو آیه کریمه، اول بودن نسبی است، به معنای سبقت جستن در ایمان و شاید منظور آن اول بودن در زمان خود شخص و در میان امت او یا شهر او و مانند آن باشد.

بدون شک هر پیامبری از امت خود در ایمان پیشی گرفته است، مثلاً موسی . علیه السلام . از قومش زودتر اسلام آورده و محمد . صلی الله علیه وسلم . در اسلام بر امتش پیشی گرفته و برای همین درست است که درباره خود بگویند که نخستین مسلمان هستند، یا درباره آنان چنین گفته شود.

و از این آیه اول بودن مطلق دانسته نمی شود و چنین چیزی واضح است و امکان ندارد کسی در چنین اشتباهی واقع شود و تعارضی وجود ندارد. زیرا به اضطرار دانسته می شود که پیش از محمد و موسی علیهما صلوات الله وسلامه پیامبران دیگری بوده اند که مسلمان و مومن بوده اند از جمله آدم و نوح و ابراهیم و دیگر انبیای الهی که درود و سلام خداوند بر همه آنان باد و این در کتاب خداوند به وضوح آمده است.

طبری درباره آیه نخست می گوید: «و همچنین به آنها بگو که پروردگارم به من امر نموده تا نخستین مسلمان باشم. می فرماید: نخستین کسی که به بندگی سر نهاد و در برابر امر و نهی او فروتنی کرد و گردن نهاد، از اهل زمانه ام» (جامع البیان: ۱۷۷/۹).

طبری همچنین درباره آیه مربوط به موسی . علیه السلام . می گوید: ﴿و من اولین مومنان هستم﴾ [اعراف: ۱۴۳] یعنی از مومنان به تو از قوم خودم؛ که هیچ کس در دنیا تو را نبیند مگر آنکه هلاک شود» (تفسیر طبری: ۴۳۲/۱).

علما نیز در تفسیر این دو آیه سخن گفته اند و تقریر نموده اند که این نخست بودن بر چه وجهی است و گفته اند که منظور اول بودن در اهل زمان است چنانکه پیش تر بیان شد، یا اول بودن به آن اسلام خاص که خود آن پیامبر آورده است و ایمان به شریعت خاص آن پیامبر که خداوند به او وحی کرده است و منظور از اول بودن اینجا پنهان نیست زیرا او نخستین کسی است که آن شریعت را از پروردگارش به شکل وحی دریافت کرده و اولین کسی است که آن را تصدیق نموده و پیرو آن شده است.

غرناطی می گوید: هرگاه چنین تقریر شد، دانسته می شود که این سخن که **﴿امر شده ام تا نخستین مسلمانان باشم﴾** امری خاص به اوست و دیگری در آن شریک نیست، مانند این سخن پروردگار که **﴿بگو من امر شده ام تا نخستین کسی باشم که اسلام می آورد﴾** [انعام: ۱۴] که معنایش نمایانگر همین است بلکه نمی توان برخلاف آن گفت؛ چرا که حکم از جمله امر و نهی اگر از سوی ملائکه نازل شود و پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را برگیرد و به آن ایمان آورد و تسلیم پروردگارش شود، پس از او کسانی که نزد وی حاضر شوند و وحی را به آنان بگویند از وی وحی را خواهند گرفت و کسی راهی ندارد جز آنکه این حکم را از او بگیرد، پس از آنکه او از جبرئیل فرایش گرفته است.

بنابراین ایشان - علیه السلام - نخستین مومن و نخستین مسلمان است و این نخستین بودن برای کسی جز او ممکن نیست و کسی چنین نسبتی را نمی تواند برگیرد» (ملاك التأويل: ۱۲ / ۴۲۵).

ابن عاشور - رحمه الله - می گوید: «معنای **﴿نخستین کسی که اسلام آورد﴾** یعنی آنکه او نخستین کسی است که متصف به اسلامی می شود که خداوند او را برایش مبعوث کرده است، زیرا این اسلام خاصی است که قرآن با خود آورده و افزون بر چیزی است که پیامبران گذشته به آن ایمان آورده اند از جمله وضوح بیان و سماحت [احکام آن]» (التحریر والتنویر: ۷ / ۱۵۹).

مراجعه نمایید به تفسیر زمخشری (۱۰ / ۲) و تفسیر رازی (۴۹۲ / ۱۲).

والله اعلم